

Unexpected Natural Disasters in Qom and its Economic and Social Consequences in Naseri age

Seyed Hassan Quorishi Karin*

Abstract

One of the most important social developments in Iran is the occurrence of unexpected natural disasters. In the local historical study, due to its comprehensive impact on people's lives, the description of natural disasters is a source of serious criticism, because these events are the starting point of many historical developments. It is significant in national, local social, political, and economic transformations. This study aims to investigate the economic and social impact of unexpected events such as famine and starvation, cold, flood, earthquake, infectious diseases on the city of Qom in the Nasserite era and its long-term consequences with descriptive-analytical method and data collection method. Explain in the form of libraries and documents. The research findings show that unfortunate and unexpected natural disasters have a negative effect on population decline and weakening the economic system and people's livelihood and have significant effects on political and social events in later periods.

Keywords: Qom, Nasreddin Shah, Natural Disasters, Famine, Flood, Earthquake, Infectious Diseases.

* Assistance Professor of History, Payame Noor University, Tehran, Iran, shquorishi@gmail.com

Date received: 30/03/2021, Date of acceptance: 11/08/2021



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سوانح طبیعی غیرمترقبه در قم و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن در عصر ناصری

سیدحسن قریشی کرین*

چکیده

یکی از مهم‌ترین تحولات اجتماعی ایران، وقوع حوادث و سوانح طبیعی غیر مترقبه است که در بررسی رویداد اجتماعی و اقتصادی شهری به علت تأثیر همه جانبه آن در زندگی مردم شرح سوانح و بلایای طبیعی محل نقد و توجه جدی است، چون این حوادث نقطه شروع بسیاری از تحولات تاریخی است که در دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ملی و بومی قابل توجه است. این پژوهش بر آن است که تأثیر اقتصادی و اجتماعی حوادث غیر مترقبه مانند قحطی و گرسنگی، سرما زدگی، سیل، زلزله و بیماری‌های واگیردار را بر شهر قم در عصر ناصری مورد بررسی قرار دهد و پیامد طولانی آن را بر ابعاد مختلف زندگی مردم تحلیل نماید. در این بررسی که از نوع پژوهش تاریخی است بر اساس منابع و به شیوه توصیفی - تحلیلی، برخی از تأثیر و تأثرات حوادث غیر مترقبه طبیعی را بر زندگی اجتماعی مردم قم تحلیل نماید. یافته پژوهش نشان می‌دهد که حوادث ناگوار و غیر مترقبه طبیعی قم موجب کاهش جمعیت، تضعیف نظام اقتصادی و معیشت مردم، مهاجرت مردم به دیگر مناطق، تبدیل زمین‌های مرغوب کشاورزی به کشت تریاک و پنبه، شورش محلی شده و زمینه را برای حوادث سیاسی و اجتماعی بزرگتر در ادوار بعدی، مانند پیدایش شورش‌ها و اعتراضات اجتماعی و انقلاب مشروطه فراهم نمود.

* استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، shquorishi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: قم، ناصرالدین شاه، سوانح طبیعی غیرمترقبه، قحطی، سیل، زلزله، بیماری‌های واگیردار.

۱. مقدمه

عصر قاجار یکی از حساس‌ترین و شگفت‌انگیزترین ادوار تاریخ ایران می‌باشد، زیرا این عصر، دوره‌ی گذر از جامعه سنتی به سوی مدرنیته و دوره‌ی تغییرات اساسی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. ناصرالدین شاه چهارمین پادشاه این خاندان با حاکمیت طولانی خود، حوادث و رویدادهای متعددی را به عصر خود اختصاص داد، او با شخصیت متضاد و روحیه‌ای بسیار پیچیده و با عملکرد ناهمگون خود، اوضاع کشور به سمت انحطاط کشاند؛ گرچه در دوران حکومت درازپای او که نزدیک به پنجاه سال طول کشید، در قم اقدامات عمرانی و اقتصادی توسط امرا، شاهزادگان و صدراعظم‌ها از جمله امیرکبیر، میرزا آقاخان نوری و سپهسالار صورت گرفت. از رویدادهای نامیمون عصر ناصری در قم حوادث و بلاهای غیر مترقبه و طبیعی بود، شیوع وبا، در سال ۱۲۶۹ ق، وقوع زلزله شدیدی در یازدهم جمادی الاولی سنه ۱۲۸۵ اق، وقوع قحطی عظیم در سال ۱۲۸۸-۷۸ اق از مهم‌ترین این حوادث می‌باشد.

سرزمین ایران، تحت تأثیر جغرافیای طبیعی و موقعیت اقلیمی، همواره از جمله مناطقی بوده که در معرض حوادث و سوانح طبیعی قرار داشته است. به همین دلیل نیز همواره مستعد ۳۰ نوع بلا و فاجعه از مجموع ۴۰ نوع بلاهای طبیعی و انسانی شناخته شده مانند زلزله، سیل، خشکسالی، تگرگ، طوفان، هجوم ملخ و یا بیماریهای فراگیر بوده است. این حوادث آسیب فراوانی بر نظام اقتصادی و اجتماعی ایران زد که بروز پی در پی قحطی و وبا در تقلیل جمعیت و نابودکردن عناصر فعال روستایی و شهری تأثیر عظیم داشت که نتیجه آن، کاهش تولیدات اقتصادی کشور بود.

هدف اصلی در این مقاله، بررسی و تبیین سوانح طبیعی غیر مترقبه و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن در زندگی اقتصادی، اجتماعی مردم قم در عصر ناصری است، که منشاء پیدایش این حوادث چه بوده؟ و چه تأثیراتی بر زندگی مردم گذاشته است و زمامداران مختلف عصر ناصری در قم در پیشگیری از این حوادث و نتایج شوم آن چه اقدامات و تمهیداتی را انجام دادند. بر این مبنا این پرسش مطرح می‌شود که مهم‌ترین

سوانح طبیعی غیرمترقبه در قم و پیامدهای ... (سیدحسن قریشی کرین) ۲۱۱

حوادث غیرمترقبه طبیعی در دوران ناصری در قم کدام بودند و چه تأثیرات اجتماعی و اقتصادی بر زندگی مردم قم گذاشتند و حاکمیت قاجار برای پیشگیری از آن و جبران خسارات چه اقداماتی را انجام دادند؟

فرضیه تحقیق نشان می‌دهد که موقعیت اقلیمی و جغرافیایی قم، عدم برنامه‌ریزی دولت برای پیشگیری از بروز حوادث غیر مترقبه، نبود زیر ساخت اقتصادی، عدم رشد و آگاهی عمومی زمینه ساز این حوادث شده است. این حوادث موجب مرگ و میر عمومی، کاهش جمعیت، مهاجرت مردم، تغییر کاربری زمین کشاورزی، شورش محلی و عمومی شده است

بررسی حوادث غیر مترقبه طبیعی به علت تأثیر گذاری در زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم، چگونگی برخورد مردم با آن و نحوه مدیریت بحران از طرف حاکمیت و مردم از اهمیت قابل توجه‌ای برخوردار است، این حوادث میزانی زیادی حیات اقتصادی و اجتماعی مردم را تحت تأثیر خود قرار داد.

این پژوهش از نوع پژوهش‌های تاریخی است و با تکیه بر منابع دست اول و سفرنامه‌ها، به روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی سامان یافته است. درخصوص پیشینه تحقیق گفتنی است، پژوهش‌های در مورد قحطی سال ۱۲۸۸ قمری در قم (گرنی، ۱۳۸۲)، مصیبت وبا و بلای حکومت (ناطق، ۱۳۵۸) انجام شده است ولی پژوهشی همه جانبه در مورد موضع صورت گرفته نشده است.

۲. وضعیت اقتصادی قم در دوره قاجار

قم پیش از قاجار به ویژه در دوره صفویه از نظر اقتصادی به علت توجه پادشاهان صفویه از وضعیت مناسبی برخوردار بود و در آغاز دوره قاجار به علت نبود برنامه منسجم اقتصادی پس از سقوط صفویه، ویرانی شهرها به علت جنگ‌های داخلی، از بین رفتن بنیان‌های اقتصادی مانند راه‌ها و قنات‌ها رو به انحطاط نهاد. این شهر توسط آقامحمد خان به مخروبه‌ای تبدیل گشت، چون مردم قم از نجف خان آخرین حاکم زندیه در قم حمایت کردند، آقا محمد خان از راه زرنند و ساوه به طرف قم آمد و قم را محاصره کرد (افضل الملک، ۱۳۸۴: ۱۶۱) از هفده روز محاصره، به کمک علی الهی‌های قمرود، دروازه شهر را گشود، کشتار و انتقام کشی از مردم و همراهان حاکم پیشین، آغاز شد

(افضل‌الملک، ۱۳۳۶: ۲۳۷ - ۲۳۸) و بسیاری از صنعت‌گران، کشاورزان به علت وضعیت نامناسب اقتصادی از قم کوچ کردند. سیاحانی که در این زمان از قم دیدن کردند از این شهر به عنوان شهری فقیر یاد می‌کنند و جمعیت آن را حدود سیصد نفر ذکر می‌کنند (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۰۶) که دور از حقیقت می‌نمایند. چون مؤلف مرآت الاحوال جهان نما، از علمای عصر و از شاگردان میرزای قمی می‌نویسد: «دارالمؤمنین قم شهری است از بلاد قدیمه ... اغلب عمارات آن خراب شده است و زیاده از دو هزار خانه در آن به نظر نمی‌آید.» (کرمانشاهی، ۱۳۷۳: ۲۲۸/۱) با کوچ اجباری قبایل مختلف زند و کرد این کمبود جمعیت را تا حدودی جبران نمود (افضل‌الملک، ۱۳۳۶: ۸۹)، از زمان سلطنت فتحعلی شاه، قم مورد توجه قرار گرفت و وضعیت اقتصادی مردم تا حدی متحول شد. البته قرار گرفتن قم در مسیر تجاری جاده بزرگ شمال غربی - جنوب شرقی و نیز وجود مرقد مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) و امامزادگان متعدد، دفن هزاران مرده در قم در توسعه اقتصادی شهر بی تأثیر نبوده است (دالمانی، ۱۳۷۸: ۸۵۹).

قم با دارا بودن قبایل متعدد، یکی از قطب‌های دامداری در عصر قاجار بوده و محصولات دامی آن مانند پوست به خارج صادر می‌شد (افضل‌الملک، ۱۳۳۵: ۷۴. پولاک، ۱۳۸۶: ۳۸۴). این شهر نیز قم در زمینه کشاورزی توسعه قابل توجه داشته و شاهان قاجار برای رفع کمبود آب در قم اقداماتی نیز انجام دادند، از جمله فتحعلی شاه سدی بر رودخانه قم بست (نخجوانی، ۱۳۴۳: ۵۴۳) و امیر کبیر در سال ۱۲۴۷ ق روی رودخانه قره چای و اناررود در قم سدی ساخت (آدمیت، ۱۳۴۸: ۳۲۱). منابع تاریخی از تنوع محصولات کشاورزی و باغی مانند گردو، فندق، بادام، زردآلو، گیلاس انار و انجیر، صیفی و سبزی و گندم و زراعت زعفران اطلاعات خوبی بدست می‌دهد (قمی، ۱۳۸۴: ۱۰۸ و ۱۲۰ و ۱۲۲) با مقایسه وضعیت قم پیش از حوادث مترقبه با دوران پس از آن در عصر ناصری نشان‌دهند که خیلی از باغ‌ها و محصولات باغی و کشاورزی از بین رفتند و کشت مجدد آن‌ها میسر نشد، اولیویه که در پایان حکومت آقا محمد خان و آغاز پادشاهی فتحعلی شاه به ایران آمد قم را بهترین و خوب‌ترین قطعات ایران معرفی می‌کند که در آن محصولاتی مانند تنباکو، برنج، پنبه و تمامی حبوبات معروف در فرنگستان به عمل می‌آید (الیویه، ۱۳۷۱: ۱۰۵) که در دیگر منابع کشت برخی محصولات مانند برنج اشاره نشده است (فیض، ۱۳۳۵: ۱۵۷. افضل‌الملک، ۱۳۳۵: ۱۱۹) علاوه بر محصولات زراعی قم

از نظر داشتن درختان شهره بوده، میرزا صالح شیرازی از درختان سرو قم به خوبی یاد می‌کند (شیرازی، ۱۳۷۷: ۲۷۴) هنوز هم بقایای آن دیده می‌شود. پولاک از وجود باغ‌های وسیع گل سرخ در قم خبر می‌هد که در تهیه گلاب از آن بهره می‌گرفتند (پولاک، ۱۳۸۶: ۳۷۰). در دوره ناصری، شهر قم را شهری خرم و با صفا، با اشجار متنوع در شوارع و با آب جاری معرفی کرده‌اند (ارباب، ۱۳۳۵: ۲۲)، منابع محلی تعداد باغ‌های قم را در عهد قاجار تا سال ۱۳۰۵ هـ.ق، حدود پنجاه و دو (افضل الملک، ۱۳۳۵: ۸۹-۸۵) یا پنجاه و سه باغ (ارباب، ۱۳۳۵: ۲۳) نوشته‌اند این باغات محل گردش و تفریح اهل شهر بود و بیشتر باغات رعیتی بود و در هر یک از باغات، جزئی عمارت و اطاق نشمین وجود داشت (افضل الملک، ۱۳۸۴: ۷۴. ملکوتی، ۱۳۷۹: ۱۲/۵۲۷-۵۱۲)؛ مزارع قم در دوره قاجار بالغ بر هفتاد مزرعه بود و همه از آب رودخانه برای آبیاری استفاده می‌کردند (فیض، ۱۳۳۵: ۱۶۲-۱۵۸). بسیاری از مزارع و زمین‌های کشاورزی در اثر حوادث طبیعی مانند سرمای شدید، خشک‌سالی طولانی و قحطی متعدد یا از بین رفتند و یا کارایی و بهره‌وری خود را از دست دادند.

۳. حوادث غیرمترقبه

۱.۳ قحطی و گرسنگی

یکی از صعب‌ترین و جانکاه‌ترین حوادث غیر مترقبه، قحطی و گرسنگی می‌باشد، ایران در ادوار مختلف تاریخی قحطی‌های بسیار وحشتناکی را پشت سر گذاشته و در اثر آن تعداد فراوانی از نفوس خود را از دست داده، در سال‌های ۱۲۳۶ تا ۱۳۱۰ هـ.ق در عرض ۷۴ سال، تقریباً ۶۵ بار وبا و طاعون مردم را به کام مرگ فرستاد و سبب تلف شدن بخش وسیعی از مردم گشت به طوری که در مقاطعی آمار این تلفات را تا یک سوم و حتی نیمی از جمعیت کشور ذکر کرده‌اند. قحطی سال ۱۲۸۶ هـ.ق / ۱۸۷۰ م یکی از بزرگ‌ترین حوادث اندوه‌بار تاریخ اقتصادی و اجتماعی ایران است. نبود باران و خشک‌سالی موجب افزایش سریع قیمت غلات و شورش برای نان در شهر از جمله قم شد (نظام السلطنه مافی، ۱۳۸۶: ۲۶/۱) و بسیاری از مردم خانه و زندگی خود را رها کردند و به جاهای دیگر پناه بردند، کسانی که توانایی خرید نان نداشتند به خوردن سگ و گربه و موش و جانوران دیگر پرداختند (اکازاکی، ۱۳۷۷: ۱۹۹)

۱.۱.۳ عوامل قحطی و گرسنگی سال‌های ۱۲۸۶ تا ۱۲۸۸ ق

قحطی ترکیبی از عوامل اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی است، قحطی سال‌های ۱۲۸۶ تا ۱۲۸۸ ق/۱۲۴۷ تا ۱۲۴۹ ش هولناکترین و مرگبارترین رویداد در طول دو قرن اخیر در ایران و قم بود. عواملی زیر را می‌توان در بروز این قحطی عنوان نمود.

- تغییرات جوی و نیامدن باران. در تمامی زمستان این سال در بخش عظیمی از ایران قطره‌ای باران نیامد. بسیاری از رودها، چشمه سارها و قنوات به کلی خشک شدند و محصولات کشاورزی نابود گردید، در سال بعد از آن برخی مناطق غربی و جنوبی بارندگی اندکی داشت، اما در بیشتر مناطق ایران در طی دو سال حتی یک قطره هم باران نبارید. کشاورزی دیم یکسره از میان رفت و خشکسالی چنان بود که حتی زاینده رود که رودی همیشه پر آب است، کاملاً خشک شد. (جابری انصاری، ۱۳۷۸: ۳۴) خشک سالی موجب افزایش سریع و بسیار زیاد قیمت غلات شد و شورش نان و ناامنی اجتماعی در شهرها بالا گرفت، بسیاری از شهرها از جمله قم به خاطر کمبود نان شورش کردند و «در قم به واسطه ی بی نانی، قیامتی برپاشده» (نظام السلطنه مافی، ۱۳۸۶: ۲۶/۱)

- کاشت محصولات غیر ضروری ولی سودآور مانند تریاک و پنبه به جای کشت غلات. حرص بعضی از مردم برای پول دار شدن از طریق کاشت تریاک در زمین‌های مرغوب، موجب شد که زمین‌های زیر کاشت گندم و غلات به کشت تریاک در آید و به سقوط تولیدات غلات بیانجامد. (Pakdaman, 1983: 131) افزایش قیمت پنبه و کاشت بی رویه پنبه در ایران (اکازاکی، ۱۳۷۷: ۲۰۳) برای سود بیش‌تر نیز زمینه قحطی را فراهم نمود. با افزایش قیمت تریاک از دهه ۱۲۴۷ ق/ ۱۸۳۰ م صادرات تریاک در ایران افزایش یافت. انگلیسی‌ها در تجارت تریاک و تنباکو و پنبه در ایران نقش اساسی داشتند. در سال ۱۸۵۶/۱۲۷۳ تولید تریاک و کاشت خشخاش با تأسیس بنیاد توسعه تریاک توسط یک تاجر بزرگ اصفهانی به نام مهدی ارباب افزایش یافت و روش کاشت خشخاش از اصفهان به دیگر شهرها گسترش یافت. (اصفهانی، ۱۳۴۲: ۱۲۵) و این امر در کاهش تولید غلات و ایجاد قحطی نقش داشت.

- نیاز کشور به واردات بیشتر و به تبع آن، ضرورت دستیابی به یک منبع مالی برای تأمین مالی واردات. در نبود صنعت، بخش کشاورزی باید علاوه بر تأمین مواد غذایی، محصولات نقدینه آفرین برای صدور به روسیه، هند و ترکیه نیز تولید می‌کرد. با وجود این که تولید ابریشم خام کاهش یافته بود. کشت تریاک جای آن را گرفته بود که عمدتاً در مناطق مرکزی و جنوبی تولید می‌شد و تریاک قم از شهرت بیش‌تری برخوردار بود و زمین‌های بیشتری به کشت این محصول اختصاص یافت، دولت برای تأمین منبع مالی بیشتر مشتاق به کشت تریاک و پنبه بود تا محصولات استراتژیکی مثل غلات.

- انهدام صنایع دستی و عدم جایگزینی آن با صنایع مدرن تا دوره مذکور، نشان‌دهنده این واقعیت شد که با نبود کشاورزی، نیروی انسانی موجود می‌توانست در بخش صنعت جذب شود، ولی نبود صنعت مدرن و از بین رفتن صنایع دستی زمینه رشد بیکاری و فقر مفرط گشت.

- افزایش نیروی کار در بخش کشاورزی، در شرایطی که فن آوری تولید بدون تغییر مانده بود و احتمالاً جمعیتی بیش تر زمین های نامرغوب تری را به زیر کشت درآورده بودند، پیامدی جز دامن زدن به فقر عمومی نداشت. به علاوه انگیزه ای برای نوآوری وجود نداشت و در نبود انگیزه، امکاناتی نیز ایجاد نشد

- بی توجهی به بهداشت عمومی و انتقال مردگان از شهرهای مختلف به قم که بر اثر گرمی هوا و دوری راه، بوی تعفن می‌داد موجب انتقال بیماری و در نتیجه مرگ و میر جمعی می‌شد (Floor, 2007: 61)

- در کنار افزایش تقاضا برای گندم از خارج، تقاضای داخلی به علت افزایش جمعیت شهر نشین نیز بالا بود. مردم از ترس ادامه‌ی قحطی در سال سوم گندم ها را ذخیره کردند و نسبت به فاجعه‌ای که در اطرافشان می‌گذشت بی‌اعتنا ماندند. محتکران تنها از میان مقامات دولتی و زمین داران و سودا گران غله نبودند، بلکه مقامات مذهبی نیز در این شمار بودند (Churchill, 1906: 53)

حکومت مرکزی و حاکمان محلی هیچ اقدام مؤثری برای بهبود وضع قحطی زدگان انجام ندادند. تنها کاری که شاه کرد این بود که دستور ترخیص گندم از انبارها را داد. آن‌هم

بعد از آن که شورش گندم در تهران از اختیارشان خارج شد، (floor, 1983: XVI/199-227) آنان سعی در حفظ دارایی و منافع خود بوده و کمتر به دغدغه‌های اجتماعی توجه داشتند. قحطی اثرات عمیقی بر زندگی مردم قم گذاشت، بسیاری از کشاورزان زمین‌ها را رها کرده و یا به عنوان مالیات به دولت واگذار کردند؛ در اطراف قم بسیاری از روستاها بی‌صاحب رها شدند، مردم آنها را رها کردند و رفتند (ناصر الشریعه، ۱۳۸۳: ۶۱ تا ۹۰). در نواحی قم مانند بسیاری از جاهای دیگر که بارندگی کم و نامطمئن بود، همیشه احتمال شرایط قحطی کوتاه مدت وجود داشته است. در اواخر سال ۱۲۸۱ هـ.ق/ اوایل بهار سال ۱۸۶۵ م، جان آشر یک مسافر انگلیسی، در بین کاشان و قم علامت‌های شوم یک قحطی گسترده را ملاحظه کرده و می‌نویسد: «فقر ترسناک و فلاکت بار کشور، به نحو بسیار چشمگیری از لاشه‌ی تعدادی گوسفند و بز که قادر به تهیه غذای کافی از خاک بی‌علف نبوده اند و در اثر گرسنگی هلاک شده اند، نمودار بود» (Ussher, 1865: 606)

جمعیت قم که به موجب آمار پیش از قحطی سال ۱۲۸۴ هـ.ق/ ۱۸۶۸ م در یک سرشماری دقیق، ارباب ۲۵۳۸۲ نفر بود (ارباب، ۱۳۵۳: ۲۹ و ۳۰) پس از قحطی در سال ۱۲۹۱/ ۱۸۷۵ به ۱۴۰۰۰ نفر رسید و از جمله عدد بیوتات قم چهار هزار خانه می‌شد بعد از گرانی قدر هزار خانه بی‌صاحب مانده که تمام اهل آن مرده بودند. (ارباب، ۱۳۵۳: ۲۹ و ۳۰) جمعیت شهرهای یزد و اصفهان و مشهد یک سوم آن‌ها از گرسنگی مردند یا مهاجرت کردند و حدود یک و نیم میلیون نفر که ۲۰ تا ۲۵ درصد جمعیت شش‌هفت میلیونی ایران بودند، مردند. (Gilber, 1876-77, 143-4, keddie, 1972: 69)

هنری بلو، جراح ارتش هند، ضمن سفر از طریق بلوچستان و افغانستان به خراسان، تهران، همدان و کرمانشاه، به شرح سفر خود، به ویژه در مورد وضعیت قم می‌پردازد:

جزئیات سفر قم دل‌خراش و مناظر دیده شده وحشتناک بود. اجساد مردگان جاده‌ها را پوشانده و هوا را با تعفن ناشی از گندیدن آنها مسموم می‌کرد. سرای‌ها از افراد درحال احتضار که شیون و رنج‌های آن‌ها مناظر غیر قابل‌وصفی را بوجود آورده، پر بود. دهات خالی و خاموش همانند خانه‌ی ارواح، توسط دسته‌هایی از سگ‌ها که با زنده‌ها برای تصاحب مرده‌ها مبارزه می‌کردند، مورد تهاجم قرار گرفته بود. ... در این سرزمین نه مذهب و نه عدالت و نه مروتی یافت می‌شود. (Henry, 1874: 395-396)

علی اکبر فیض گزارش کاملی از قحطی این سال ارائه داده است او که در میان دوستان و آشنایان خود رفت و آمد می کرد، از هر طرف درباره عواقب هولناک قحطی خبرهایی می شنید و به این ترتیب ترغیب شد آنچه را که شنیده و یا به چشم خود دیده بود، نوشته . او اطلاعات در باره آدم خوری، خوردن گوشت سگ و گربه، سرقت بچه ها و ناامنی شهر ارائه می دهد. در بقعه های شیخان و سرداب مساجد ارائه می دهد. وضعیت قحطی به حدی بغرنج بود، مردم گوشت فردی از خانواده او که از دنیا رفته بود را می خوردند

همشیره ام، که عروس جناب شریعتمدار حاجی ملا محمد صادق قمی است گفت: در همسایگی ما مردی را دو زن در خانه بود. آن مرد با یکی از آن زن ها از گرسنگی و جوع سرما جان بدادند. این زنی که زنده مانده بود جسد شوهر خود را دفن نموده، و جسد هویش را خورده بود. (فیض، ۱۳۸۲: ۵۳۸) یا نونهالی در سن پنج و شش سال را فقرا در شب دزدیده، کشتند و خوردند (همان)

او در ادامه می نویسد:

پسری به سن چهارده ساله روزی در لب چال، که یکی از محلات قم است، طفل رنگ زردی را که پدر او در آن مکان دکان صباغی داشت رباییده، به سرعت می برد. از فریاد و فغان طفل پدرش ملتفت شده، او را بگرفت. در خدمت جناب شریعتمدار حاجی ملا محمد صادق بودم که او را در آن محضر بیاورد و گزارش را تقریر کرد. جناب حاجی آن جوان را تهدید نموده، می خواستند تأدیب نمایند که خود اعتراف نمود که پنج نفر زن در محله ی امام زاده شاه حمزه (ع) منزل دارند که یکی از ایشان مادر من است. مدتی است اطفال مردم را در کوچه و بیابان به هزار تدبیر و فریب به دست آورده، نزد ایشان می برم. به گوشت آن اطفال غذای شب و روز خود را می گذرانیم. (همان: ۵۴۰)

گاهی وقتی خانه را خالی می دیدند، سریع هرچه در آن بود می ربودند و اگر کسی بود او را به روش مختلف می کشتند، در یک مورد دختر چهارده ساله را در حوض آب خفه می کنند و وسایل خانه را می دزدند. (همان: ۵۴۱) و در مورد دیگر دزدان وقتی می فهمند در یک خانه ای گندم است شبانه زن و مرد را می کشتند و گندم را می برند (همان، ۵۴۲) و گاهی اجساد تازه مدفونین را از قبر در می آوردند و می خوردند. فیض در ادامه خاطرات خود می نویسد:

روزی جناب شریعتمدار حاجی ملا محمد صادق به این بنده فرمودند: آنچه بر من ثابت شده، زیاده از پانصد نفر مرد و زن و طفل را تا اکنون در این شهر کشته و خورده‌اند. اکنون قریب یک سال است آواز خروس در قم نشنیده ایم و به ندرت آواز سگ مسموع می شود که همه را خورده اند. (همان: ۵۴۵)

مسعود میرزا در رجب ۱۲۸۸ هـ.ق، از قم عبور می کرد، شاهد مجازات گدایی بود که شصت و دو نفر را کشته و خورده بود.

درویشی را دیدم که در قم گرفته بودند، از اهالی نهاوند، که او شصت و دو آدم و طفل را گرفته، و خورده بود. منزل این درویش در چاهی بود. به هر کس که قادر می شد در پس کوچه ها و غیره از اطفال خفه کرده و می خورد. او را در میدان صحن پاره پاره کردند. (مسعود میرزا ظل السلطان، ۱۳۶۲: ۲۱۱)

وحشت عمومی از این که بچه ها دزدیده، کشته و یا فروخته شوند، چنان عظیم بود که والدین سعی می کردند، آن ها را در خانه نگه دارند. بیشتر قربانیان زنان بودند. (گرنی، ۱۳۸۲: ۱۵۶). اما زنان نیز گاه از مرتکبین این فجایع بودند. تعداد زنانی که بنا به گفته ی فیض از شرکت کنندگان اصلی بودند و به گونه ی انفرادی و یا گروهی اقدام می کردند، نسبتاً زیاد است. وضعیت در قم به حدی ناهنجار بود که روزنامه هفتگی دولت به نام روزنامه ی ایران در اواخر محرم ۱۲۸۸، در گزارش خود می نویسد:

قم، مورخ ۲۴ محرم، سه روز قبل قدری بارندگی شد و دو روز قبل نیز جزئی باران آمده، بر روی هم کفایت کرد. چند روز قبل متدرجاً پنج شش طفل مفقود شده، کسان اطفال و فرارش حکومت در تفحص بودند. در کاروان سرای بیرون دروازه معصومه، شخصی غریب را دیدند که مشغول ساختن کباب است، در جیب او، دو پنجه ی پای بچه یافتند. معلوم شد اطفال بیچاره را او می کشته و می خورده است، او را به دار الحکومه بردند، پس از قدری صدمه به او زدند در محضر علما اقرار کرد که پنج طفل را تا به حال کشته و خورده است. (روزنامه ی ایران، ۳ صفر ۱۲۸۸: ۴)

گزارش خلاصه شده ای از این رویداد در تاریخ ۲۹ می ۱۸۷۱، توسط چارلز آلیسون، سفیر انگلیس، خطاب به وزیر امور خارجه ی انگلیس ارسال گردید (گرنی، ۱۳۸۲: ۱۶۲). قحطی در قم علاوه بر آثار زیانبار اقتصادی و انسانی بر روان مردم تأثیر بسیاری سوء داشت، آنان با دیدن ده ها کشته و جنازه های افتاده در کوی و برزن علاوه بر این که

امید به زندگی را از دست می‌دادند و حالت افسردگی و دلمردگی به بر جامعه مستولی شد و با خوردن گوشت هم نوع خود روحیه بد اخلاقی، پرخاشگری و سبیت قرین آنان گشت.

۲.۳ سرما

دومین فاجعه طبیعی، در سال ۱۲۸۸ هـ.ق/۱۸۷۱-۱۸۷۲ م سرمایه سخت زمستان بود که خسارات شدیدی به مردم ایران و از جمله قم وارد ساخت، از اواخر شوال تا اواسط ذی‌الحجه ۱۲۸۸ اوایل ژانویه تا اواخر فوریه ۱۸۷۲، یک دوره طولانی سرمای طاقت فرسا حادث شد و هوا به شدت سرد شد. سنت جان که سفرهای گسترده ای در سال ۱۲۸۸/۱۸۷۲ در قسمت‌های جنوبی و شرقی کشور داشت، اظهار نظر کرده است که: «زمستان آن سال، سردترین و طولانی‌ترین زمستانی بوده که تا آن زمان تجربه شده است: هزاران نفر از گرسنگی و بیش از آن از سرما و مرض تلف شدند.» (Houtom, 1896:95) این سرمای شدید فقط ناراحتی‌های طاقت فرسا ایجاد نکرد، بلکه رودخانه ای که در آن‌موقع در قم به نام اناربار نامیده می‌شد، یخ بست و نهرهای زیر پل نیز یخ زد، به‌طوری که آب نمی‌توانست از میان آن‌ها جریان یابد. در نتیجه یک دریاچه‌ای بالای پل ایجاد شد که طبق تخمین فیض عرض آن یک فرسخ و عمق آن دو تا سه زرع بود و کناره‌های آن یخ بسته بود، بدتر این که قنات‌ها نیز یخ بست و این باعث شد که تمام آسیاب‌های آبی از کار بیفتند. در این زمان در شهر قم و نواحی مجاور از بیست آسیاب درحال فعالیت فقط دو آسیاب به کار خود ادامه می‌دادند (ارباب، ۱۳۵۳: ۹۵).

علاوه بر بسته شدن آسیاب‌های آبی و نانوایی‌ها، حمام‌ها نیز از این سرمای عظیم مصون نماندند. بیش از چهل گرمابه‌ی موجود در شهر، فقط چهار گرمابه از جمله حمام بازار و حمام امین الدوله باز باقی ماند. (همان: ۵۵) برف سنگینی که قشر ضخیم آن هفته‌ها به طور مداوم در کوچه‌ها و حیاط‌خانه‌ها باقی می‌ماند و جاده‌ها و راه‌های کاروان‌های در اطراف قم را مسدود کرده بود. این امر حمل‌غله را به کلی ناممکن ساخته بود. در روزنامه رسمی کشور آمده است:

از قراری که خبر رسید امسال در صفحات قم کثرت برف و شدت سرما به حدی بوده است که حیوانات دشتی و کوهساری از قبیل آهو و کبک و غیره از شدت سرما و

قلت قوت رو به شهر گذارده تا پشت حصار آمده بودند و اهل بلد به خارج رفته و در کمال سهولت آن‌ها را صید نموده به شهر آورده اند و با وجود آنکه آن ولایت نسبت بدارالخلافه و غالب صفحات عراق گرمسیر است و قشلاقیست دارد این کیفیت به‌نهایت غریب است. (روزنامه دولت علیه ی ایران، پنجشنبه ۲۵ ذی القعدة ۱۲۸۲ ش ۵۸۶).

میرزا علی اکبر فیض قمی در باب سرمای زمستانی می‌نویسد:

برودت هوا و سردی شتا، که به این جهت تسدید شوارع شد و تفقید قوافل. از اواخر شهر شوال تا اواسط ذی الحجه برف‌های متوالی چنان ببارید که راکب و راجلی از قراء و امصار قریبه و بعیده وارد به قم نشدند و از این مکان به جایی دیگر قوافل بار نبستند. درب دکان و خانه‌ها شیشه‌های مایعات از آبغوره و سرکه و گلاب و غیره بترکید. شیشه‌ی مرکب در صدر اطاق نشیمن میرزا علی محمد حکیم برادرم یخ بست، تخم مرغ منجمد شد... سه ماه متوالی آسیا‌های شهر از کار باز مانده، نهرهای آنان یخ بسته، مجال آب، محال می‌نمود، جز دو آسیا که مجرای او از آب قنوات ناصری بود... در جمیع شهر، که غریب به هشتاد حمام داشت دایر داشت، منحصر به چهار حمام شده، مابقی از کار باز مانده، دایر نبودند... (فیض، ۱۳۸۷: ۱۱۴-۱۱۳)

توانایی بدن انسان در مقابله با سرما بسیار کمتر از توان آن برای مقابله با گرما است، بدن انسان پس از سرد شدن رمق حیات را از دست می‌دهد و منشاء بیماریهای مهم بدن سرما و خوردن سردیجات است. سرمای پیش از خود معلول قحطی و فقر بوده، نبود امکانات برای حفظ بدن از سرما افزایش تلفات را نیز بالا می‌برد که این مسئله در قم در دوره ناصری بر اساس گزارشات منابع محلی مشهود بوده است. به گل نشستن آسیاب‌ها، یخ زدن آب قنوات، نبود بهداشت، بسته شدن جاده‌ها زمینه را برای یک فاجعه در کنار دیگر فاجعه‌ها آماده نمود و سبب تلف شدن نیروی انسانی شد.

۳.۳ سیل و زلزله

یکی از حوادث طبیعی غیر مترقبه سیل‌های ویران‌گر می‌باشد که در ادوار مختلف چندین بار قم را مورد تهدید جدی قرار داده. جاری شدن سیل‌های متعده در تاریخ قم دارای سابقه بوده است، چند سیل تاریخی، شهر قم را خراب کرده است که مهم‌تر از همه، سیل بهار سال ۲۹۲ هـ ق در زمان اعراب اشعری، سیل بهار سال ۹۴۴ هـ ق زمان

شاه طهماسب که قسمتی از شهر قم خراب شد. «خاک قم را به باد داد این آب» ماده تاریخ این سیل است، در سال ۱۰۰۱ هـ.ق. سیل عظیمی شهر قم را فراگرفت که باغ‌ها، ساختمان‌ها، حمام‌ها، کاروانسراها و مغازه‌های مجاور حرم حضرت معصومه علیها السلام را منهدم ساخت. (افوشته ای نطنزی، محمود بن هدایت الله (۱۳۷۳: ۳۳۲). در سال ۱۰۴۴ هـ.ق در زمان شاه صفی است، سیل مهیبی روی داد که دو سوم از عمارات داخلی شهر ویران منهدم گردید.

در دوره قاجار سیل‌های مهیبی در قم روی نداد، ولی با توجه به کویری بودن منطقه، شدت بارش باران در فصل بهار، زمینه جاری شدن سیل را فراهم می‌کرد و به شهر آسیب می‌رساند، این وقایع چندین بار در سال‌های ۱۲۹۱ و ۱۲۹۲ هـ.ق روی داده چنانچه در روزنامه رسمی آن عهد می‌خوانیم:

بحمد... شهر قم را امنیت و وفور نعمت حاصل است. چندی قبل باران شدیدی آمده بسیاری از خانه‌های قدیمی ساز را خراب نمود. در اوقات باران نصف شبی سیل غریبی آمده که تا به حال همچو فصلی سیل کسی ندیده و به خاطر ندارد. جمیع رودخانه‌ها را گرفته. توی شهر یک کاروانسرا که قریب به دروازه بود به کلی منهدم شد و... و یک نفر مرده است. (ایران ش ۲۴۳ یکشنبه ذی حجه الحرام ۲۴/۱۲۹۱ ژانویه ۱۸۷۵ : ۹۷۱)

«چند روز قبل در قم باران شدیدی باریده رودخانه‌ها و دره‌ها سیل عظیم جاری شده چنانکه آب به شهر نشر کرده و یکی دو خانه را خراب نموده است. (همان ش ۲۵۶ سه‌شنبه یازدهم جمادی الاولی ۱۲۹۲ پانزده ژوئیه ۱۸۷۵: ۱۰۲۲) وقتی رودخانه قم در برخی از مواقع سال در فصل زمستان طغیان می‌کرد و از سرداب‌ها یا پاشیرهای آب‌انبارها می‌جوشید و بالا می‌آمد، این موجب پریشانی خاطر مردم و ویرانی محله‌ها، بازار، باغات و خانه‌ها می‌شد. افضل الملک در حدود سال‌های ۱۳۰۴ هـ.ق در سفرنامه خود می‌نویسد: «دو سه سال است که آب از زمین جوشیده، بناها را خراب می‌سازد. در همین سال طغیان آب شدت پیدا کرده، دو محله بسیار بزرگ را که دارای چندین معابر و گذرها و کوچه‌هاست منهدم ساخته است (افضل الملک: ۷۸). در روزنامه ایران آمده: «آب رودخانه قم، چندی قبل طغیان کرده، آب به باغات دور شهر قدری تعدی کرده،

نزدیک شد، داخل شهر شود و تمام چشمه های پل را تا روی پل آب گرفت (روزنامه ایران، چهارشنبه، هشتم رمضان المبارک ۱۳۰۴ ه. ق. شماره ۶۲۹: ۴)

سیل پس از آتش‌سوزی، دومین فاجعه طبیعی شایع در جهان است و اثرات مخرب آن نیز گسترده است، سیل زیر ساخت‌های اقتصادی را درهم می‌ریزد و بر تمامی جنبه‌های زندگی انسان از جمله دامداری، کشاورزی و مسکن لطمه وارد می‌کند و موجب کاهش تولید محصولات کشاورزی و غذایی و در نهایت موجب فقر و قحطی می‌گردد، برخی محلات قم در سیل‌های دوره ناصری متأثر از تأثیر این سیل بوده است.

سرزمین قم نیز مانند سایر مناطق ایران، همواره در معرض زلزله بوده است که این حوادث، خسارت‌های جانی و مالی فراوانی در پی داشته است. در منابع از زلزله‌های بزرگ در قم یاد شده است. به عنوان نمونه در سال ۳۴۷ هـ ق در قم زلزله شدیدی روی داد و خرابی بسیاری وارد آورد و عده زیادی را بی‌خانمان کرد. در دوره زندیه زلزله خسارت زیادی به شهر وارد ساخت (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۳۷۳).

یکی از حوادث مهم عصر ناصری وقوع زلزله شدیدی در سال ۱۲۸۵ هـ ق. در قم است که به موجب آن عده زیادی از مردم کشته شدند. (ریاضی‌هروی، ۱۳۷۲: ۶۵) روزنامه دولتی عصر به این حوادث اشاره شده است:

درین اوقات چندین زلزله واقع شد. چنانکه در شب یازدهم شهر ربیع الثانی دو ساعت و نیم از شب گذشته در تهران، اصفهان و کاشان و قم و همدان و ساری زلزله واقع شد و لیکن بحمدالله تعالی خرابی و آسیبی نرسانید، مگر اندک خرابی در ساری روی داده و همچنین در شب یازدهم جمادی الاولی نیز چهار ساعت و چهل دقیقه از شب گذشته زلزله‌ی شدیدی در طهران و کاشان و قم و فیروز کوه واقع شده، سیم‌های تلگراف روز دهم این ماه با همه جا با صعوبت و ندرت حرف می‌زده است. (روزنامه دولتی، پنجشنبه هفتم جمادی الآخر ۱۲۸۵ ش ۶۲۲: ۱۰۹۷)

۴.۳ بیماری‌های واگیردار

۱.۴.۳ بیماری وبا

وباء، از امراض بومی ایران بود که مرض موت و یا مرگا مرگی نامیده می‌شد (دهخدا) این بیماری از خصوصیات سرزمین‌های عقب افتاده و از عوامل عقب ماندگی است از جهتی زاده فقر است و از جهتی موجد فقر، قحطی می‌آورد و دنبال قحطی می‌آید و از نظر اقتصادی وبا عامل مهمی در کاهش میزان جمعیت فعال و کاهش تولید، می‌باشد. علل و عوامل گسترش وبا آب آلوده، فقر، نقل و انتقال گسترده، تحرک ناقلان بیماری، فقدان مقررات مؤثر قرنطینه بود. (سیف، ۱۳۸۷: ۱۷۵) بیشتر قربانیان وبا فقرا و تنگدستان بودند که به علت تنگدستی بیشتر در معرض خطر قرار می‌گرفتند. (فووریه، ۱۳۲۵: ۲۹۶) چنانچه امین‌الضرب اذعان می‌دارد «در قم توانگران که استطاعت و قدرت رفتن به دهات را داشتند و فقرا که نتوانستند بروند، ماندند و علی‌الاقبال تلف شدند، امیدشان به خدا بود کارشان صبح تا شام عزاداری و سینه زنی بود.» روحانیون نیز که مردم را در طول شیوع وبا با روضه خوانی و سینه زنی و رفتن به مصلی سرگرم می‌کردند و به عنوان درمان خوردن تربت سیدالشهدا را تجویز می‌نمودند. (ناطق، ۱۳۵۸: ۳۱)

وبا در قم جان بسیاری از مردم را گرفت، در دوره قاجار از سال ۱۲۳۶/۱۸۲۱ بیماری وبا بی سابقه شیوع یافت. در سراسر مملکت افزون از صد هزار تن را به کام مرگ فرستاد. (سپهر ۱۳۷۷: ۱/۱۳۲۷) در سال ۱۸۳۲/۱۲۴۷ طاعون آمد و کشتار زیادی کرد. در تهران دوازده هزار خلق تلف شده اند. در سال ۱۲۵۰ باز وبا آمد. در سال ۱۲۵۲ وبای سختی در سراسر ایران شایع شد. در سال ۱۸۵۱/۱۲۶۷ وبای شدیدی در تهران شایع گشت. (ناطق، ۱۳۵۸: ۱۵) و حتا مردم تهران در این مواقع به قم پناه می‌بردند. «وبا دوباره در تهران عود نمود. مردم تهران به قم پناه بردند در این شهر خانه‌ای که از زوار خالی باشد باقی نماند و از شدت جمعیت روی قبرستان‌ها چادر زدند. (وقایع اتفاقیه، ۶ صفر ۱۲۶۹) بدین طریق تهرانی‌ها ناخوشی را با خود به قم آوردند.

بروگشن که در اولین سفر قم به سال ۱۸۵۹/۱۲۷۵ داشت می‌نویسد: «هنگامی که وارد شهر قم شدیم بیماری وبا شیوع یافته بود و عده زیادی به این بیماری دچار شده بودند.» (بروگش، ۱۳۶۷: ۵۴۰-۵۳۸)

در روزنامه رسمی عصر گزارشات متعددی در مورد وبای قم آمده است (روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۲۸ شوال ۱۲۶۹ ش ۱۳۱. پنجشنبه ۱۵ رمضان ۱۲۶۹ نمره ۱۲۵) در سال ۱۲۷۳ وبای سخت دیگری به همه ی ولایات ایران از جمله قم افتاد. در سال ۱۲۸۴ وبای دیگری همه ی شهرهای ایران را گرفت، در سال ۱۲۸۶ وبای خفیفی در قم و کاشان بروز نمود. در سال ۱۲۸۷ وبای همراه قحطی آمد. در سال ۱۲۸۸ هنوز قحطی ادامه داشت. وبای هم مزید بر علت شد. در سال‌های ۱۲۹۴، ۱۳۰۷، ۱۳۰۹ و ۱۳۱۰ هم چنان وبای جان مردم را می‌گرفت. (ناطق، ۱۳۵۸: ۱۸-۱۷)

از علل گسترش وبای در قم نبود قرنطینه‌های مرزی، وجود مرده شورخانه‌ها در اطراف رودخانه قم، شستن اجساد بیماران و قربانیان وبایی در کنار و مصب رودخانه بود، که این آب در پایین دست مورد استفاده مردم به عنوان آب آشامیدنی می‌شد. (Burrell, 1988: 294)، چون علما حد پاکی آب را کر بودن و روان بودن می‌دانستند مردم هم از این آب بهره می‌بردند. برخی اوقات مردم با کندن چاهی به آب دسترسی داشتند به علت شن زار بودن خاک قم، آب های آلوده دوباره از درون چاه بیرون کشیده می‌شد و مورد استفاده قرار می‌گرفت.

۲.۴.۳ آبله

آبله در ایران قرن نوزدهم همچون مالاریا بومی و محلی شده بود و به خصوص، در میان کودکان کشتار می‌کرد. (پولاک: ۴۶۵) امیر کبیر در دوران صدارت خود کوشید تا به خدمات بهداشت عمومی سرو سامانی بدهد و حتی واکسیناسین آبله را اجباری کرد و هر کسی کودکش از آبله می‌مرد، ۵ تومان جریمه می‌شد. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹: ۲۱۴. آدمیت، ۱۳۴۸: ۳۵۵ - ۳۲۰) با قتل امیر کبیر عمر اصلاحات او نیز به سر آمد. در سال‌های ۱۳۱۱-۱۳۱۰/ ۱۸۹۳-۱۸۹۲ آبله در قم و ایالات مرکزی با شدت و حدت زیادی شیوع داشت از سال ۱۳۲۸/۱۹۱۱ واکسیناسیون اجباری که در کشور اجرا شد، تأثیر قابل توجهی بر کاستن از مرگ و میر ناشی از آن داشت. (سیف، ۱۳۸۷: ۱۷۹)

۳.۴.۳ بیماری‌های دیگر

از دیگر بیماری‌های رایج قم می‌توان به بیماری سنگ کلیه، بیماری چشم، بیماری‌های روده‌ای اشاره کرد (Floor, 2007: 47). به علت شوری آب قم سنگ کلیه در این شهر بسیار است (پولاک، ۱۳۸۶: ۴۸۳) و تعداد بیماران چشم به نحو جالب توجهی زیاد است (همان: ۵۰۳) و علاوه بر آن بعضی از کودکان شوق مفرطی به خاک خوردن دارند. (همان: ۱-۴۵۰)

۴. نتیجه‌گیری

دوره حکومت ناصرالدین شاه قاجار، ایران شاهد حوادث و سوانح طبیعی بوده و بررسی این حوادث در تاریخ اجتماعی و اقتصادی از اهمیت قابل توجهی دارد. یکی از گسترده‌ترین حوادث غیر مترقبه طبیعی که در دوران سلطنت ناصرالدین شاه رخ داده، خشکسالی و قحطی است، این حوادث آثار مخربی بر اقتصاد و جامعه داشت، قرارگرفتن قم در مرکز کویر ایران و عدم دسترسی به بنادر یا مراکز صادراتی و وارداتی بیشتر متحمل آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی شد. اگر چه این حوادث ساخته دست بشر نبود، ولی حکومت قاجار با تدابیر درست می‌توانست میزان خسارت را بکاهد و آن را به فاجعه تبدیل نکند و یا میزان هراس روانی آن در جامعه تنزل دهد، به جای آن مخترکان تنها از میان مقامات دولتی و زمین داران و سوداگران غله و مقامات مذهبی به شدت این فاجعه افزودند و از ترس ادامه ی قحطی گندم‌ها را ذخیره کردند و نسبت به فاجعه ای که در اطرافشان می‌گذشت بی اعتنا ماندند، حاکمیت هم هیچ اقدام مؤثری برای بهبود وضع انجام نداد.

قم به علت قرار گرفتن در مرکز کویر ایران، نسبت به دیگر مناطق جغرافیایی، همیشه احتمال شرایط قحطی کوتاه مدت وجود داشته است و در کنار آن بی‌جهی به عوامل بهداشتی، نبود آب سالم، دفن مردگان که سبب بروز بیماری‌های واگیردار می‌شد بر شدت فاجعه حوادث می‌افزود.

نخستین واقعه تلخ در حوادث غیر مترقبه که شیره جان مردم را کشید قحطی و گرسنگی بود که نبود باران و خشک سالی متوالی موجب افزایش سریع قیمت غلات و شورش برای نان در تمام شهرها از جمله قم شد در نتیجه برخی مردم خانه و زندگی خود را رها کردند و کسانی که توانایی تغییر وضعیت خود و خرید نان نداشتند به خوردن سگ

و گربه و موش و جانوران دیگر و حتی مردگان پرداختند، علت این امر سیاست غلط اقتصادی و تبدیل زمین‌های مرغوب کشاورزی به کشت تریاک و پنبه برای سود بیشتر بود. دومین حادثه طبیعی غیر مترقبه سرمای سخت زمستان ۱۲۸۸ ق بود که تکرار نمونه خیلی کوچک آن در سال‌های اخیر روی داد. دمای هوا در این سرما به منفی ۴۳ درجه رسید و شدت سرمای شمال روسیه را تداعی می‌کرد که نبود امکانات و ابتدایی بودن زندگی مردم هزاران نفر از گرسنگی و سرما به کام مرگ فرستاد. این سرما به حدی شدت داشت که قنات‌ها، آسیاب‌ها از کاربازماندند و آذوقه رسانی با مشکل شدید مواجهه شد. سیل، زلزله، بیماری‌های واگیردار از دیگر حوادث غیر مترقبه بودند که ساختار اجتماعی و اقتصادی شهر قم را به شدت تغییر دادند و آسیب قابل توجه‌ای به این شهر رساند.

بروز بلاهای طبیعی گرچه نشان از قهر طبیعت و بلهوسی آن بود ولی عوامل انسانی در شدت بخشیدن آن نقش قابل توجه داشتند. بخش بزرگی از مسئولیت این فاجعه ناگوار را باید متوجه مقامات بالا، ملاکان، سوداگران غله، محتکران، حاکمیت استبداد و فقدان اعتماد و همدلی بین مردم و حاکمان دانست که در طول تاریخ همیشه مردم ایران قربانی آن بودند و هستند.

کتاب‌نامه

آدمیت، فریدون و هما ناطق (۱۳۵۶)، افکار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در آثار منتشرنشده دوران قاجار، تهران، آگاه.

آدمیت، فریدون (۱۳۴۸): امیر کبیر و ایران، تهران، خوارزمی.
اتحادیه، منصوره (۱۳۷۷): اینجا طهران است، تهران، نشر تاریخ ایران.

ارباب، محمد تقی بیگ (۱۳۳۵): «کتابچه‌ی تفصیل و احوالات دارالایمان قم»، راهنمای جغرافیای تاریخی قم، به کوشش مدرسی طباطبایی، قم، حکمت.

ارباب، محمد تقی بیگ (بی تا): تاریخ دارالایمان قم، به کوشش مدرسی طباطبایی، قم، بی جا. ۴
اصفهانی، محمد مهدی (۱۳۴۲): نصف جهان فی تعریف اصفهان، تصحیح منوچهر ستوده، تهران، امیرکبیر.

افضل الملک، میرزا غلامحسین خان (ادیب کرمانی) (۱۳۳۵): «کتابچه‌ی تفصیل و حالات دارالایمان قم» راهنمای جغرافیای تاریخی قم به کوشش مدرسی طباطبایی، قم، حکمت.

سوانح طبیعی غیرمترقبه در قم و پیامدهای ... (سیدحسن قریشی کرین) ۲۲۷

- افضل الملک، میرزا غلامحسین خان (ادیب کرمانی) (۱۳۳۶): تاریخ و جغرافیای قم، به کوشش حسین مدرسی طباطبایی، قم، وحید.
- افضل الملک، میرزا غلامحسین خان (ادیب کرمانی) (۱۳۸۴): سفرنامه قم، تصحیح زهرا اردستانی، قم، زائر.
- افوشته ای نطنزی، محمود بن هدایت الله (۱۳۷۳): نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار، به اهتمام احسان اشراقی، تهران، علمی و فرهنگی.
- اکازاکی، شوکو (۱۳۷۷): «قحطی بزرگ در ایران در سال ۱۲۸۸ق/ ۱۸۷۰ و ۱۸۷۱م»، ترجمه مرتضی هیزی، نامه‌ی اقبال، به کوشش سید علی آل داوود، تهران هیرمند
- اولیویه، گ.ب (۱۳۷۱): سفرنامه اولیویه، ترجمه محمد طاهر حیرت، به تصحیح غلامرضا ورهرام، تهران، اطلاعات.
- بروگش، هینریش (۱۳۷۴): در سرزمین آفتاب، ترجمه مجید جلیلود، تهران، نشر مرکز.
- بروگش، هینریش (۱۳۶۷): سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه حسین کرد بچه، تهران، اطلاعات.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۸۶): سفرنامه پولاک یا ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی.
- جابری انصاری، میرزا حسین خان (۱۳۷۸): تاریخ اصفهان، تصحیح جمشید مظاهری، اصفهان، مشعل.
- دالمانی، هانری.رنه (۱۳۷۸): از خراسان تا بختیاری، ترجمه غلامرضا سمعی، تهران، طاوس.
- ریاضی هروی، محمد یوسف (۱۳۷۲): عین الوقایع، به اهتمام محمد آصف فکرت، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- روزنامه‌ی وقایع اتفاقیه
روزنامه‌ی ایران، کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه، تهران ۱۳۷۴
- سپهر، محمد تقی (۱۳۷۷): ناسخ التواریخ (تاریخ قاجاریه)، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران، اساطیر.
- سیاح، محمدعلی (۱۳۵۹)، خاطرات حاج سیاح: دوره‌ی خوف و وحشت، به کوشش حمید سیاح، تصحیح سیف الله گلکار، تهران، امیرکبیر.
- سیف، احمد (۱۳۸۷): قرن گم شده، اقتصاد و جامعه‌ی ایران در قرن نوزدهم، تهران، نی.

شیرازی، میرزا صالح (۱۳۷۷): سفرنامه اصفهان، کاشان و قم تهران، به کوشش ایرج افشار، میراث اسلامی ایران دفتر هفتم، قم، کتابخانه آیت ... مرعشی نجفی.

غفاری کاشانی، ابوالحسن (۱۳۶۹): گلشن مراد- تاریخ زندیه، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، زرین.

فروویه، (۱۳۲۵): سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران، علمی.

فیض، علی اکبر (۱۳۳۵): «کتابچه تفصیل حالات و نفوس و املاک دارالایمان قم»، راهنمای جغرافیای تاریخی قم به کوشش مدرسی طباطبایی، قم، حکمت.

فیض، میرزا علی اکبر (۱۳۸۲): «تفصیل وقایع قحطی سال ۱۲۸۸ در قم»، تحقیق: محمد صحتی سردودی، میراث ماندگار، ج ۱، زیر نظر دکتر سید محمود مرعشی نجفی، قم، کتابخانه‌ی آیت ... مرعشی نجفی

فیض، میرزا علی اکبر (۱۳۸۷): «وقایع سال فحط یکهزار و دوست و هشتاد و هشت»، قم در قحطی بزرگ، تألیف جان گری، قم، کتاب خانه‌ی آیت ... مرعشی نجفی

فیض، عباس (۱۳۴۹): گنجینه آثار تاریخی قم: قم، چاپخانه استوار .

قمی، حسن بن محمد (۱۳۸۴): تاریخ قم: ترجمه حسن بن علی بن عبدالملک قمی، کوشش دارالتحقیق آستانه مقدسه، قم، زائر.

کرمانشاهی، آقا احمد بن محمد علی (۱۳۷۳): مرآت الاحوال جهان نما، تحقیق: مؤسسه‌ی علامه مجدد وحید بهبهانی، قم، انصاریان.

گرنی، جان (۱۳۸۲): «قحطی سال ۱۲۸۸ قمری در قم»، ترجمه گیتی درخشان، میراث ماندگا، زیر نظر دکتر سید محمود مرعشی نجفی، کتاب خانه‌ی بزرگ آیت ... مرعشی نجفی، قم

محدثی، حسن (۹۱-۱۳۹۰)، «ایران، سرزمین فاجعه و جستجوی نجات»، دو ماهنامه چشم‌انداز ایران، ش ۷۲

مسعود میرزا، ظل السلطان (۱۳۶۲): تاریخ سرگذشت مسعودی، تهران، دنیای کتاب.

ناصر الشریعه، محمد حسین (۱۳۸۳): تاریخ قم، قم، رهنمون

ناطق، هما (۱۳۵۸): مصیبت وبا و بلای حکومت، تهران، گستره

نخجوانی، حسین (۱۳۴۳): موادالتواریخ، تهران، کتابفروشی ادبیه .

نظام السلطنه مافی، حسین قلی خان (۱۳۸۶): خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی،

تصحیح معصومه مافی و منصوره اتحادیه، تهران، تاریخ ایران

- Abrahamian, Ervand (1974): *Oriental Despotism, The Case of Qajar Iran*. International Journal of Middle East Studies Vol.5, No.1
- Burrell.R.M (1988): "The 1904 Epidemic of cholera in Persia, Some aspect of Qajar Society", *Bullet of the school of oriental and Africa Studies*, University of London, Vo51, No 2
- Churchill. G, *Biographical notes of Persian statement and nobles*, Calcutta, 1906.53)
- Floor, Villem (2007): *Public Health in Qajar Iran*, Washington, D.C, Mage Publishers
- Floor, Villem (1983): *the creation of administration in Iran 'Iranian studies XVI*
- Gilber. G (1876-77): "Demographic development in late Qajar Persia,1870-1906", *Asia and African studies*. XI.
- Henry.w.Bellew(1874); *From the Indus to the Tigris:a narrative of a journey through the country of Balochestan, Afghanistan, Khorassanand, Iran*, London.
- Houtom, Schindler (1896): *Eastern Persia Irak*, London
- Keddie. N, R (1972): "The economic History of Iran,1800-1914". *Iranian studies*, v2
- Pakdaman. N (1983): "preface to studies on the economic and social history of Iran in the Nintheenth century", *Iranian studies*, XVI, 131
- Sheikholeslami, A. Raza (1971): "The Sale of Offices in Qajar Iran.1858-1896", *Iranian studies*, Vol.4, No.2/3
- Ussher. John (1865): *A journey from London to Persepolis*, London